

بافت و کنش‌های گفتاری مناجات امام حسین (ع) در واپسین لحظات عمر

دکتر سید فضل‌الله میرقادری^۱
مریم اشراق پور^۲

چکیده

آستین، اولین شخصی بود که نظریه کنش گفتاری را مطرح (۱۹۶۲) و سپس شاگردش سرل آن را ترویج نمود (۱۹۷۹). از دیدگاه این نظریه، واحد کلام، فعل گفتاری است؛ به این معنا که شخص هنگام سخن گفتن، فعلی را انجام می‌دهد و مخاطب با توجه به بافت، مقصود آن را دریافت می‌کند. سرل کارگفت را به پنج قسم اظهاری، ترغیبی، تعهدی، عاطفی و اعلامی تقسیم کرد. این پژوهش با رویکرد کاربردشناسی، نظریه کنش گفتاری و بافت به بررسی کنش‌های گفتاری مناجات امام حسین (ع) در واپسین لحظات عمر می‌پردازد. امام حسین (ع) در شرایط بسیار سخت روحی به سر می‌برد و جز خداوند یاوری ندارد، لذا فعل عاطفی (۴۰٪) و ترغیبی (۳۳٪) بیش‌ترین بسامد را دارد. بیش‌ترین ارجاع ضمیری به خداوند (۴۹٪) سپس امام (ع) (۲۳٪) اختصاص دارد. فعل‌های اخباری به کار برده شده در متن (۶۷٪)، و کنش‌های انشایی (۳۳٪) می‌باشد.

واژگان کلیدی: کاربردشناسی، کنش گفتاری، سرل و آستین، بافت، مناجات امام حسین (ع).

۱. استاد زبان و ادبیات عربی دانشگاه شیراز Sfmirghaderi@gmail.com

۲. کارشناس ارشد زبان و ادبیات عربی دانشگاه شیراز h.m.besharat@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۴/۰۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۲/۲۸

مقدمه

در شرایطی که ساختارگرایان همواره با تأکید بر ساختار از بافت‌ها، شرایط گفتمانی، فرهنگی و اجتماعی و روانی غافل ماندند، اکو با گرایش پراگماتیک^۱ (کاربردشناختی) کوشید جنبه‌های معناشناسی و نحوی تحلیل نشانه‌ها را تکمیل کند (اکو، ۱۳۹۲: ۳۷).

کاربردشناختی یکی از شاخه‌های زبان‌شناسی کاربردی است که توانسته تا حدی زیاد کاربرد زبان را در موقعیت‌های درونی و برونی متن بیابد. متون مقدسی دینی از جمله متونی است که به دلیل داشتن شرایط خاص و تقدس گوینده و متن با هر نظریه سازگار نیست. نظریه کنش‌گفتار به عنوان یکی از نظریه‌های مهم علم کاربردشناسی و اخیراً تحلیل‌گفتمان انتقادی (دهه هشتاد و نود) «در دو حوزه فلسفه زبان و دین تأثیر گذاشته است» (پهلوان‌نژاد، رجب زاده، ۱۳۸۹: ۳۷) و توانسته تا حدی پاسخگوی انتظارات متون دینی از تحلیل و بیان بار محتوایی آن‌ها باشد؛ زیرا برای تبیین مفاهیم دینی و معارف الهی، باید ابزار و علومی را به کار گرفت که در روش خود، نگاهی وسیع و جامع داشته باشد و علاوه بر نگرستن به ویژگی‌های درونی متن، عوامل بیرونی متن یا کلام را نیز مورد مطالعه قرار دهد؛ در این صورت با این دید جامع‌تر در کاربردشناسی و گفتمان، می‌توان تا حدودی به کنه معارف الهی دست یافت و اما دست‌یابی به سایر وجوه معارف الهی در گرو عمل شخص می‌باشد.

مناجات امام حسین (ع) با خداوند در حالتی صورت گرفت که دیگر توانی برای ماندن نمانده بود و امام (ع)، یاران و اصحاب خود را همگی می‌دید که چگونه توسط دشمن از بین می‌روند و کاری از دست ایشان جز مناجات و شکوه در نزد خداوند ساخته نیست. در این میان، هفت موقعیت از سخت‌ترین لحظه‌های پایانی زندگانی امام (ع) و مناجات ایشان انتخاب شده که شامل: ۱- هنگامی که تنها ماند؛ ۲ و ۳- پس از اصابت تیر به پیشانی و قلب مبارک؛ ۴- هنگام پاشیدن خون به آسمان پس از آن که به صورت مبارکش سرازیر شد؛ ۵- مناجات حضرت پس از شهادت اصحاب؛ ۶- مناجات قبل از شهادت؛ ۷- در آخرین لحظات عمر می‌باشد.

هدف از نگارش مقاله حاضر، بیان صورت و گونه مناجات شخص امام معصوم (ع) در وضعیت بحرانی، عکس‌العمل ایشان در مقابل مشکلات، بررسی کنش‌های گفتاری موجود در کلام امام (ع)

و تحلیل آن بر اساس بافت و موقعیت خارجی است و اذعان دارد که کلام امام معصوم (ع) بر اساس اقتضا و به جا بیان شده و فعل‌های گفتاری در هر شرایط با دیگر وضعیت‌ها متفاوت است.

۱- پیشینه تحقیق

نظریه کنش گفتاری همواره مورد توجه مجموعه پژوهش‌گران به خصوص محققان علوم دینی و علم اصول قرار گرفته است. شاید در ایران، قدیمی‌ترین مقاله‌ای که اشاره‌ای به فعل گفتاری داشته، مقاله «تمایز خبر از انشا نزد منطقیون مسلمان» (۱۳۷۲) از احد فرامرز قراملکی باشد. در این مقاله به شرح جمله‌های خبری، انشایی نزد بزرگان اهل منطق پرداخته است و سپس به طور جداگانه به تبیین افعال گفتاری از دیدگاه آستین و سرل می‌پردازد. و ضمن اشاره به این نکته که گاهی اوقات برخی جملات، ظاهری خبری دارند؛ اما در حقیقت دلالت بر انشا دارند و بیان می‌دارد که کشف این مسأله به نام سرل رقم خورده و نزد بسیاری از حکیمان مسلمان هم مطرح بوده است.

سه تن از محققان علوم دینی در این زمینه، محمد صادق لاریجانی و شاکر او علی محمد عبداللّهی و علیرضا قائمی نیا پژوهش‌گر علوم دینی و فلسفه می‌باشند که حدوداً از سال ۱۳۸۱ در مقالات و کتب فراوان به اثبات و شرح این نظریه در علوم دینی و غیر آن پرداخته‌اند.

لاریجانی در برخی مقالات و پژوهش‌های فلسفی و مربوط به علم اصول از این نظریه نام برده است. برای نمونه در مقاله «فلسفه تحلیلی و علم اصول: مباحث مقایسه‌ای» (۱۳۸۱) معترف است که میان علم اصول و فلسفه تحلیلی، نقاط مشترک وجود دارد. نویسنده پس از تبیین دو موضوع در سطوح مختلف، چهارده نقطه مشترک بین آن دو را بر شمرده که یکی از آن‌ها افعال گفتاری است. قائمی نیا، نگارنده کتاب «وحی و افعال گفتاری (نظریه وحی گفتاری)» (۱۳۸۱) این نظریه را از مهم‌ترین و شاید انقلابی‌ترین نظریه‌ها در حوزه تحلیلی زبان می‌داند. از میان سه نظریه گزاره‌ای، تجربه دینی و افعال گفتاری، نظریه سوم که مورد مطالعه ما است نزد او مقبولیتی بیش‌تر دارد و معتقد است نظریه افعال گفتاری در بسیاری از حوزه‌های دیگر اثرگذار بوده است.

عبداللّهی نیز در این باب آثاری دارد و هم چنین کتاب «افعال گفتاری: جستاری در فلسفه و زبان» از جان سرل (۱۳۸۷ش) را ترجمه کرده است. برای نمونه او در مقاله «نظریه افعال گفتاری» (۱۳۸۴) این نظریه را نخستین تلاش جانانه در مقابل حمله به نظریه پردازی در فلسفه می‌داند و به بیان تأثیر و افکار ویتگنشتاین که آرای او تحوّل در فلسفه تحلیلی کلاسیک و آغازگر آن است می‌پردازد و بیان می‌کند که آستین و سرل نظریه افعال گفتاری را به تأثیر از روش فلسفی

ویتگنشتاین مطرح نموده‌اند، سپس به تبیین افعال گفتاری از دیدگاه آستین و سرل و عناصر مؤثر در فهم افعال گفتاری از جمله اصل بیان‌پذیری، معنا، واقعیت‌های نهادی و قواعد به همراه شرح آن‌ها تبیین و بررسی می‌نمایند.

پس از آنان به دلیل اهمیت و کاربرد نظریه یاد شده، پژوهش‌گران بسیاری به خصوص از سال ۱۳۸۴ تاکنون به بحث و تطبیق این نظریه در متون قرآنی و دینی پرداخته‌اند که در بسیاری از آن‌ها، پژوهش‌گر در قسمتی از مطالعه خود؛ کم یا زیاد به تبیین نظریه فعل گفتاری و سپس تحلیل متن یا موضوع مورد بحث پرداخته است.

تحلیل متن‌شناسانه زیارت‌نامه امام رضا (ع) بر پایه نظریه کنش گفتار (۱۳۸۹) پهلوان نژاد، رجب زاده (نموداری)

تحلیل خطبه پنجاه و یکم نهج البلاغه براساس طبقه‌بندی سرل از کنش گفتاری، مریم فضائلی، محمد نگارش (۱۳۹۰)

تحلیل خطبه حضرت زینب (ع) بر پایه نظریه کنش گفتاری از ایشانی و نعمتی قزوینی (۱۳۹۳) کنش‌های گفتار در سوره‌های قرآن کریم از حسینی معصوم (۱۳۹۴)

در پژوهش‌های فوق به تبیین نظریه فعل گفتاری پرداخته شده که از این میان، در بیش‌تر پژوهش‌های تطبیقی به بررسی فعل‌های گفتاری پنج‌گانه سرل اکتفا شده و برخی از آن‌ها، کنش‌ها را به صورت نموداری نشان داده است، در آثار تطبیقی بالا مشاهده شد که مخاطب خاص متون بررسی شده از جنس بشر است، اما پژوهش حاضر، افعال گفتاری را از جهت تقسیم‌های مختلف (پنج‌گانه سرل، صریح و غیر صریح و خبر و انشا) بررسی می‌کند و در جدول قرار می‌دهد، سپس به تحلیل جامع آن می‌پردازد و شاید تنها پژوهشی است که مخاطب خاص آن فقط خداوند می‌باشد و لحظه مناجات عاشقانه امام (ع) را در سخت‌ترین حالت رنجش دنیایی، آشکار نموده و در ترازوی نظریه فعل گفتاری قرار داده است.

۲. مبانی نظری

زبان‌شناسی کاربردی از جمله حوزه‌های مورد توجه پسا‌ساختارگرایان، است. یکی از شاخه‌های مورد توجه این مبحث، علم کاربردشناسی (منظورشناسی) است که «علم کاربرد زبان و شناخت معنا در یک موقعیت محاوره‌ای به خصوص و در صدد پاسخ به جمله منظور شما از × چیست می‌باشد» (زادزند، ۱۳۷۸: ۱۶۷-۱۶۶).

از مهم‌ترین مباحث مطرح شده در علم کاربردشناسی «که بر پایه آن متون مختلف از جمله متون دینی مورد تجربه و تحلیل قرار می‌گیرد، نظریه کنش گفتاری است» (پهلوان نژاد، رجب زاده، ۱۳۸۹: ۳۸).

۳: نظریه کنش گفتاری (کارگفت)

نظریه افعال گفتاری^۱، نظریه‌ای فلسفی است که جان لنگشتاو آستین استاد فلسفه اخلاق دانشگاه آکسفورد در سال ۱۹۶۲ عرضه کرد و پس از و شاگردش جان سرل، فیلسوف ذهن و زبان معاصر در کتابی با عنوان افعال گفتاری آن را بسط و توسعه داد. (عبداللّهی، ۱۳۸۴: ۹۱)

مقصود از فعل (کنش) گفتاری به معنای خاص آن، کاری است که گوینده ضمن سخن انجام می‌دهد. برای مثال هنگامی که صدای تلویزیون زیاد است و شخص عبارت «سر درد دارم» را بیان می‌کند، معنای این جمله در علم معناشناسی واضح است؛ اما از منظر علم کاربردشناسی به شکل عام و نظریه فعل گفتاری به شکل خاص مقصود گوینده از بیان این عبارت، امر به کم کردن صدای دستگاه است. به عبارت دیگر گوینده، در ضمن این جمله خبری، فعل در خواست و امر را انجام داده و شنونده با توجه به بافت و موقعیت، هدف گوینده را دریافت می‌کند.

بر خلاف نظریه‌های زبان‌شناسی قدیم، آستین «معتقد است واحد ارتباط زبانی، افعال گفتاری است؛ به این معنا که ارتباط زبانی، هنگامی تحقق می‌یابد که گوینده‌ای، افعالی گفتاری انجام دهد. (بلائیان، دهقان مشکابادی، ۱۳۸۷: ۱۶۶)

۳-۱: کنش گفتاری از دیدگاه آستین^۲

کنش گفتاری از دیدگاه او از سه بخش تشکیل می‌شود:

- ۱- فعل بیانی (آوایی و نفس گفتار)^۳: «همان عمل گفتن است که در جمله و ساختار لفظی آن ظاهر می‌شود و با آن حکایتی صورت گرفته یا چیزی با چیزی مرتبط می‌شود» (حسنی، ۱۳۸۵: ۹۰)

۱. Theory of Speech Act .۱

۲. Austin .۲

۳. Locutionary act .۳

۲- فعل حین بیانی (منظوری، غیر بیانی یا ضمن گفتاری)^۱: «همان کاری است که با سخن گفتن انجام می‌گیرد؛ مانند پرسیدن، خواهش کردن، تهدید کردن، نهی کردن، امر کردن، تحسین کردن، وعده دادن، اخبار و غیره»؛ (همان)

۳- فعل از طریق بیانی (تأثیری، پس بیانی، بعد گفتاری، دلالی)^۲: «عملی است که در نتیجه گفتن، واقع می‌شود؛ یعنی کاری که با سخن گفتن انجام می‌گیرد» (همان) به عبارت دیگر همان اثری که کلام بر شنونده می‌نهد و باعث می‌شود عکس‌العملی از خود نشان دهد.

۴- اداهای انشایی / اخباری از دید آستین

جمله‌های بسیاری وجود دارند که هر چند به لحاظ قواعد دستور زبان و برخی ملاک‌های دیگر اخباری هستند، اما چیزی را توصیف نمی‌کنند، یا واقعیتی را گزارش یا تبیین نمی‌نمایند و بنابراین، سؤال از صدق و کذب آن‌ها هم سئوالی نامفهوم خواهد بود. ادای این گونه جمله‌ها، انجام یک فعل، یا جزئی از انجام آن فعل است که معمولاً فراتر و غیر از صرفاً گفتن چیزی است «...». آستین این گونه اداهای را "انشایی" نامیده است «عباسیان چالشتری، ۱۳۸۴: ۱۷۲-۱۷۳».

۴-۱: کنش گفتاری از دیدگاه سول^۳

هر گوینده‌ای در اظهار یک جمله ۴ نوع فعل متمایز انجام می‌دهد:

الف) ادای واژه‌ها (تک واژه‌ها، جمله‌ها) = انجام تلفظی؛

ب) حکایت و حمل = انجام افعال قضیه‌ای؛

ج) اخبار، پرسش، امر، نهی و... انجام افعال مضمون در سخن (عبداللّهی، همان: ۴۵۵)

د) فعل پس بیانی: «یعنی تأثیراتی که افعال پس بیانی بر اعمال، اندیشه‌ها اعتقادات و مانند آن‌ها دارند، تحریک، تشویق، تحریک، اقناع و وادار ساختن فرد به انجام چیزی (عباسیان چالشتری، همان: ۱۸۶) مانند این که فرد پس از شنیدن آیه قرآنی توبه کند.

۱. Illocutionary act

۲. Perlocutionary act

۳. Searle

۵- قضیه

چیزی است که برای امثال در فعل گفتاری اخبار، از آن‌ها خبر داده می‌شود و در فعل گفتاری پرسش از آن پرسیده می‌شود و در فعل گفتاری امر به آن امر می‌شود (عبداللّهی، همان: ۴۵۶). قضیه به دو دسته اخباری و انشایی تقسیم می‌شود: «قضیه اخباری، قضیه‌ای قابل اتّصاف به صدق و کذب است و قضایای انشایی، قضایایی هستند که چنین قابلیت را ندارند» (ساجدی، ۱۳۸۱: ۱۲۷). باید توجه نمود که فعل مضمون در سخن با قضیه متفاوت است مثلاً در قضیه: «خدایا رحم کن»، محتوای قضیه، رحم کردن خداوند، و فعل مضمون در سخن، امر کردن است.

۶- فعل مضمون در سخن

فعل مضمون در سخن از دو عنصر تشکیل شده:

الف) بار مضمون در سخن: «واضح است که در جمله‌ای که گوینده، دارای قصدی آن را ادا می‌کند لا محاله باری نهفته است (عبداللّهی، همان: ۲۰۹) که همان بار مضمون در سخن است، به عنوان مثال در عبارت «زهرای می‌نویسد» گوینده قصد دارد از نوشتن زهرای خبر دهد، پس بار نهفته در این سخن خبر دادن است؛
ب) محتوای قضیه‌ای: «به یقین بار نهفته در هر جمله‌ای، محتوایی دارد که حامل آن بار است» (همان) که مثال ذکر شده، محتوای نوشتن را در بر دارد، به عبارت دیگر محتوای نوشتن، حامل بار اخبار و خبر دادن است.

«ذکر این نکته ضروری است که «محور تحلیل در نظریهٔ افعال گفتاری، فعل مضمون در سخن است نه فعل ناشی از سخن.» (سرل، ۱۳۸۷: ۳۳) به عبارتی در تحلیل‌هایی که بر پایهٔ نظریهٔ کنش سخن استوار هستند، سطح سوم افعال، یعنی تأثیر این افعال بر مخاطب، تحلیل و بررسی نمی‌شود.» (محمودی بختیاری، فرشته حکمت، ۱۳۹۱: ۲۰۸)

۷- انواع کنش گفتاری از نظر سرل

از دیدگاه سرل کنش‌های گفتاری به پنج دسته تقسیم می‌شوند:

۷-۱: کنش اظهاری (توصیفی)^۱

افعال این گروه، با سیستم ارزش گذاری صدق/کذب قابل ارزیابی هستند. وضع روانی در این کنش، باور گوینده و تعهد انجام کار را به نمایش می‌گذارد (خدایی ليقوان، عرب نژاد، ۱۳۹۱: ۲۰۰). مانند: تأکید کردن، تصدیق کردن، بیان کردن، اظهار کردن، شرح دادن، دلیل آوردن، نقد کردن، گزارش دادن، نتیجه گیری، گفتن، اعتراض کردن، بحث کردن، صحیح کردن، اثبات کردن، معرفی کردن. مثال: او قابل اعتماد نیست - فعل مضمون در سخن: [شرح و اظهار این که] او قابل اعتماد نیست. (غیر مستقیم)

۷-۲: کنش ترغیبی (امری یا اشاره‌ای)^۲

در این اظهارات، گوینده از شنونده می‌خواهد کاری را به انجام برساند یا از انجام کاری دست نگه‌دارد «...» این تلاش در شکل بسیار ظریف آن چون دعوت کردن - تا اشکال قسوی چون دستور دادن دیده می‌شود «...» این کنش «...» از مقوله خواستن است (همان). این نوع کنش‌های گفتاری عبارتند از: اجازه دادن، التماس کردن، اخطار دادن، خواهش کردن، تقاضا کردن، اصرار کردن، توصیه کردن، توضیح خواستن، خواستن، دستور دادن، پند و اندرز دادن، هشدار دادن، دعوت کردن، سؤال کردن، معذرت خواهی کردن، شرط کردن، اجازه دادن، اطمینان دادن، روحیه دادن، تشویق کردن. مثال: به تو توصیه می‌کنم او را رها نکن (صریح)

۷-۳: کنش تعهدی^۳

در کنش‌های تعهدی گوینده با سوگند خوردن، قول دادن، پذیرفتن و نظایر آن‌ها وعده انجام یا ترک کاری را در آینده به مخاطب می‌دهد (پهلوان نژاد، رجب زاده، همان: ۴۰)

۱. Assertive act

۲. Directive act

۳. Commissive act

مانند: موافقت کردن، قول دادن، ضمانت کردن، تعهد کردن، تقدیم کردن، وعده دادن، سوگند خوردن، تضمین کردن، داوطلب شدن، مثال: مدیر: باید اخراج شوی
دانش آموز: دیگر درس می‌خوانم. در واقع متعهد می‌شود که درس بخواند.

۹-۴: کنش عاطفی (تأثیری)^۱

احساس گوینده از واژه‌های عاطفی و احساسی با بار مثبت و منفی «...» بیان می‌گردد (ایشانی، نعمتی قزوینی، ۱۳۹۳: ۳۲-۳۳).
هدف غیر بیانی در این کنش، بیان وضعیت ذهنی و روانی گوینده در هنگام کنش است. (خدایی لیقوان، عرب نژاد، ۱۳۹۱: ۲۰۱) از جمله فعل‌های این کنش: اهانت کردن، ناسزا گفتن، هم‌دردی کردن، تعجب کردن، سلام کردن، شادی، درد، غم، علاقه، تمجید کردن، احترام گذاشتن، تشکر کردن، تبریک یا تسلیت گفتن، مدح یا هجو کردن، تأسف خوردن، احترام گذاشتن، سپاس‌گزاری کردن و افتخار کردن، مثال: به پدرش بی‌احترامی کرد! گوینده به صورت غیر مستقیم تأسف می‌خورد. [متأسفم] او به پدرش بی‌احترامی کرد.

۹-۵: کنش اعلامی (تقریری)^۲

شامل کنش‌های گفتاری است که به محض بیان آن‌ها، تغییراتی واقعی در جهان خارج ایجاد می‌شود «...» در کنش اعلامی صرف بیان جمله توسط گوینده برابر انجام عمل است و نیاز به انجام کاری دیگر نیست (حسینی معصوم، رادمرد، ۱۳۹۴: ۷۱) برای مثال وقتی مدیری می‌گوید «من این شخص را بر کنار می‌کنم» با گفتن این عبارت، شخص بر کنار خواهد شد. «در این کنش، گوینده شرایطی جدید را به مخاطب اعلام می‌کند «...» ساختار معنایی برخی از جملات در واقع شکل اعلامی آن‌ها را نشان نمی‌دهد، در حالی که در آن‌ها کنش اعلامی نهفته است» (خدایی لیقوان، عرب نژاد، همان: ۲۰۱) از جمله کنش‌های این بخش: اعلام کردن، انتخاب کردن، بر کنار کردن، محکوم کردن، آغاز دادن، پایان دادن، نام‌گذاری، باطل نمودن، فتح نمودن.

۱. Expressive act .

۲. Declaration act .

۹-۶: انواع کارکرد کنش‌ها و فعل‌های گفتاری (کارگفت‌ها)

«سرل میان کاربرد مستقیم و غیر مستقیم^۱ کارگفت‌ها تمایز قائل می‌شود.» (کاظمی، ۱۳۹۳: ۲۰)

الف) کنش مستقیم (صریح): «هرگاه میان جمله و معنای مورد نظر مطابقت وجود داشته باشد؛ کنش گفتار مستقیم (صریح) است.»؛ (ایشانی، نعمتی قزوینی، همان: ۳۱)

ب) کنش غیر مستقیم (غیر صریح، ضمنی): «اگر میان معنای مورد نظر گوینده و معنای جمله، مطابقتی وجود نداشته باشد؛ کنش گفتار غیر مستقیم (ضمنی) است.»؛ (همان)

برای مثال گوینده ممکن است به جای این که از جمله امری به عنوان کنش ترغیبی استفاده کند، جمله‌ای با ظاهر متفاوت به کار گیرد، مانند این جمله: چه وقت سخنان تمام می‌شود؟ جمله، پرسشی است اما قصد او نهی از صحبت کردن است، پس در این مثال، جمله حاوی کنش غیر مستقیم که همان مقصود اصلی گوینده است، می‌باشد. نکته قابل توجه این که «لازم نیست برای شناسایی نوع کنش گفتار حتماً خود فعل در پاره گفتار وجود داشته باشد؛ زیرا شناسایی و تشخیص پاره گفتارهای کنشی ضمنی که در آن‌ها فعل کنشی وجود ندارد، از طریق بافت امکان‌پذیر است. سرل نیز اذعان می‌کند که بافت، بیش‌ترین نقش را در تعیین کنش‌های گفتاری یک پاره گفته دارد. (فضائلی، نگارش، ۱۳۹۰: ۹۲)

۱۰- بافت^۲

منظور از بافت در زبان‌شناسی، ذیل مبحث معنی‌شناسی کاربردی؛ فضایی است که جمله‌های زبان در آن تولید می‌شود (رستمیان، طباطبایی، ۱۳۹۰: ۳۰) و به دیگر عبارت «مفهومی کلی است که اجزای سخن را به سوی مفاهیم مقصود و عرض صاحب سخن پیش می‌برد.» (ترکاشوند، ناگهی، ۱۳۹۲: ۶۲)

۱۱- کنش‌های گفتاری در گزاره‌های دینی

نظریه کنش گفتاری یکی از نظریه‌هایی است که از اساس به گزاره‌های دینی نیز توجه داشته و چون دین مقوله‌ای کاربردی و متناسب با شرایط هر زمان است، در نتیجه، زبان آن هم یک زبان منظوری و کاربرد شناختی است.

۱. Direct & indirect speech acts

۲. Context

۱-۱: کنش‌های گفتاری گزاره‌های انشایی و خبری در اسلام

کنش گفتاری گزاره‌های انشایی «واجب، حرام، مستحب، مکروه، مباح کردن افعال و امور خاص است.» (ساجدی، ۱۳۸۱: ۱۲۶)

کنش گفتاری گزاره‌های اخباری و وضعی: «اعتراف به گناه شناخت عیوب نفسانی، القا و تلقین به نفس، توجه به عمق مفردات و عواقب دنیایی و آخرتی آن‌ها، تجلیل از خداوند، تقویت و تشدید ترس از خداوند، تقویت روحیه توکل و امید، حضور خداوند در قلب و ارتباط معنوی با خدا، تصفیه دل از پلیدی‌ها، تقویت و تثبیت ایمان در دل، اظهار وابستگی، غافل شدن از نفس و خواسته‌های مادی، تذکر، یادآوری و...» در فهم و تفسیر گزاره‌های دینی افزون بر توجه به بعد وضعی آن، توجه به کنش گفتاری آن نیز ضرورت دارد. (همان: ۱۲۷-۱۲۶)

۱۲- تطبیق و تحلیل کنش‌های گفتاری در مناجات امام حسین (ع)

در این بخش، به تطبیق نظریه مذکور بر سخنان گهربار امام (ع) پرداخته می‌شود و با توجه به این که «کاربردشناسی جدید به مسائلی مهم چون بافت و اهداف فرستنده پیام تأکید می‌کند» (ترکاشوند، ۱۳۹۲: ۶۳؛ خفیف بوبکری، بی‌تا: ۱۱) پیش از ورود به تحلیل، در هر بخش از سخنان امام (ع) به صورت جدا، بافت، متن و یا فضایی کلی به دست خواهد داد. پس از آن در هر بخش از سخنان به تقسیم‌بندی به این گونه پرداخته می‌شود:

(۱) و (۲) بررسی "فعل اسنادی" و "ارجاع"‌های موجود در متن که این دو از ویژگی‌های بیانی (آوایی) فعل گفتار است.

(۳) و (۴) بررسی "فعل مضمون در سخن" و دو عنصر آن یعنی فعل قضیه‌ای و بار محتوایی موجود در فعل گفتاری و "مفهوم صریح و غیر صریح" هر کنش که جزء ویژگی‌های فعل ضمن گفتاری به شمار می‌آید و در حقیقت مقصود اصلی گوینده همین فعل ضمن گفتاری است که گاه به صورت صریح و گاه غیر صریح (ضمنی) می‌آید.

۱-۱۲: هنگامی که تنها ماند

"اللَّهُمَّ أَنْكَ تَرَى مَا يُصْنَعُ بَوْلَدِ نَبِيِّكَ" (موحد ابطحی، ۱۳۸۵: ۷۵)

«خداوندا تو می‌بینی که با فرزند پیامبرت چگونه رفتار می‌شود.»

الف - بافت و فضای کلی متن

شخصیت والا مقامی هم چون ولیّ خدا و فرزند پیامبر (ص)، در اوج عزّت و قدرت، مورد ظلم پست‌ترین انسان‌ها قرار گرفته و جز مناجات با خداوندگار چاره‌ای برایش نمانده است.

ب - تحلیل کنش (فعل) گفتاری

فعل گفتاری: تری / یصنع؛ که این فعل گفتاری تشکیل شده از:

(۱) فعل اسنادی

دو جمله فعلی که تری در جایگاه خبر إنّ و یصنع صله موصول می‌باشد، هر دو محمول واقع شده‌اند و موضوع به ترتیب ضمیر مستتر أنت (خداوند) و ضمیر مستتر هو (دشمنان) می‌باشد.

(۲) ارجاع

ارجاع به ذات الهی به وسیله ضمیر مستتر در فعل تری و ضمیر متصل "ک" (إنک، نییک) و نیز ارجاع به اشخاصی با هویت نامعلوم (فعل مجهول) به وسیله ضمیر مستتر هو در فعل یصنع. (با توجه به بافت متن، مشخص می‌شود که مرجع دشمن است).

(۳) فعل مضمون در سخن

شامل قضیه غم و اندوه و تأسف امام (ع) و نیز بیان و شرح آن چه برایش اتفاق افتاده (نه با هدف وصف و گزارش؛ بلکه از روی درد دل و مناجات) می‌باشد که در قالب دو فعل تری و یصنع ظاهر شده. این قضیه‌ها دارای دو قسم است:

(الف) فعل قضیه‌ای: محمول دیدن را بر خداوند و انجام کارهای ناشایست را به دشمنان بار کرده است و معین می‌کند که موضوع محمول‌های یاد شده خداوند (تری) و مخالفان امام (ع) (یصنع) است.

(ب) بار مضمون در سخن (کنش غیر بیانی، بار محتوایی، فعل ضمن گفتاری): اگرچه به صورت جمله خبری ظاهر شده اما مقصود گوینده، کنش روانی و احساسی مبنی بر اظهار تأسف و غم و اندوه است (کنش عاطفی یا تأثیری).

(۴) فعل گفتاری صریح و ضمنی

(الف) صریح (مستقیم): هر دو جمله فعلی به صورت وصف و تقریر آمده است.

(ب) غیر صریح (ضمنی): مقصود امام (ع) از بیان این دو فعل کلامی، ارائه گزارش و مطلع ساختن گیرنده (خداوند) نیست؛ بلکه هدف غیربیانی (فعل مضمون در سخن) امام (ع) اظهار



شکایت و غم و اندوه می باشد. گویی امام (ع) می فرماید: خدایا [من غمگین و ناراحتم] و تو می بینی که [با کمال تأسف] با فرزندان پیامبرت چه می کنی. (هر دو کنش عاطفی) به طور کلی سخن گفتاری این بخش به صورت غیر صریح آمده است.

۱۲-۲: پس از اصابت تیر به پیشانی مبارک

«اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَرَى مَا أَنَا فِيهِ مِنْ عِبَادِكَ هَوْلًا الْعُصَاةَ، اللَّهُمَّ أَحْصِهِمْ عَدَدًا، وَأَقْتُلُهُمْ بَدَدًا، وَلَا تَذَرْ عَلَيَّ وَجْهَ الْأَرْضِ مِنْهُمْ أَحَدًا، وَلَا تَغْفِرْ لَهُمْ أَبَدًا.» (همان)

«خداوندا تو می بینی من از دست این بندگان سرکشت در چه وضعیتی هستم. خداوندا آنان را به شمارش آور، با قتل نابودشان گردان، هیچ یک از آنان را بر زمین باقی نگذار و هرگز آنان را نبخش.»

الف - بافت و فضای کلی متن

سید الشهداء (ع) هم چنان به مناجات خود با ربّ الارباب ادامه می دهد، گویی از وجود مبارکش در میان این عصیان گران ملول گشته است و در لحظات آخر عمرش از پروردگار می خواهد آنان را نابود گرداند و احدی از آنان باقی نگذارد و همان طور که بهترین سرمایه اش را (اصحاب و یاران و خانواده) از بین بردند، خداوند هم بهترین سرمایه شان یعنی کثرت عدد و دنیای آبادشان را نابود کند.

ب - تحلیل افعال گفتاری

• افعال گفتاری: تری / احصهم / اقتلهم / لاتذر / لاتغیر؛ که این فعل ها شامل موارد زیر می باشد:

(۱) فعل اسنادی

جمله های فعلی که به شکل مضارع، امر و نهی ظاهر شده که محمول و موضوع این محمول ها، ضمیر مستتر أنت (خداوند) می باشد.

(۲) ارجاع

ارجاع به خداوند در ضمیر بارز "ک" و ضمیر مستتر أنت، ارجاع به امام (ع) با ضمیر أنا و احاله به عصاة به وسیله ضمیر هم.

(۳) فعل مضمون در سخن

به صورت قضیه شکایت و دلتنگی امام (ع) از نافرمانان قوم و نفرین آنان ظاهر شده است: (الف) فعل قضیه ای: محمول های دیدن، نابود کردن، باقی نگذاشتن و نبخشیدن به خداوند نسبت داده شده است و موضوع این محمول ها خداوند می باشد؛

(ب) بار مضمون در سخن: مفهوم غیر بیانی (ضمن گفتاری) این بخش ابراز غم و اندوه و درد و دل با خداوند (کنش عاطفی) و تقاضا و دعا به درگاه الهی (کنش ترغیبی).

(۴) کنش صریح و ضمنی

(الف) صریح: جمله خبری (تری) و انشایی به صورت امر ونهی (أحصهم، لاتذر و...);
 (ب) ضمنی (غیر صریح): کنش امام (ع) در ضمن این سخن شامل دو کنش عاطفی (تری) و ترغیبی (أحصهم، اقتلهم و...) می باشد که همان مقصود اصلی کلام است. [خدایا من متأسف و دردمند هستم و تو] حال مرا می بینی [از تو درخواست می کنم] یکایک آنان را بشمار و...
 به طور کلی، فعل عاطفی در این بخش به صورت غیر صریح و سایر افعال مستقیم است. به دیگر سخن؛ لفظ فعل انشایی در فعل های أحصهم، اقتلهم و... بیان گر کنش ترغیبی و درخواست است، زیرا فعل ترغیبی همان امر و نهی است.

۱۲-۳: پس از اصابت تیر به قلب مبارک

«بِسْمِ اللَّهِ وَعَلَىٰ مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ» و سپس سرش را به سمت آسمان بلند کرد و فرمود: «إِلَهِي أَنْكَ تَعْلَمُ أَنَّهُمْ يَقْتُلُونَ رَجُلًا لَيْسَ عَلَيَّ وَجْهَ الْأَرْضِ إِنْ نَبِيٌّ غَيْرُهُ.» (همان: ۱۷۶)
 «به نام خداوند و در راه رسول خدا. خدایا تو می دانی آنان مردی را می کشند که فرزند پیامبری جز او بر روی زمین نیست.»

الف - بافت و فضای کلی متن

هنگام اصابت تیر به قلب مبارک اولین سخنی که جاری می شود، جمله معروف بسم الله و علی ملة رسول الله می باشد و چون شاهراه وجودی (قلب) هدف گرفته می شود، حضرت هم شاهراه دین؛ پیامبر امین (ص) را به یاد می آورد، رو به آسمان می کند و باز هم به گله و شکایت از مردم زمانه در نزد یگانه معبودش ادامه می دهد.

ب - تحلیل افعال گفتاری

- افعال گفتاری: بسم الله / علی ملة رسول الله / تعلم؛ که شامل موارد زیر می باشد:

(۱) افعال اسنادی

شامل جمله های فعلی [أبدأ] بسم الله و [أسیر] علی ملة رسول الله و تعلم که به صورت محمول (أبدأ، اسیر و تعلم) ظاهر گشته است و موضوع محمول ها به ترتیب أنا «امام (ع)» و أنت (خداوند) می باشد.

(۲) ارجاع

ارجاع به خداوند با ضمیر مستتر أنت و ضمیر متصل «ک» در تعلم، احاله به قاتلان در ضمیر بارز واو و ارجاع به امام (ع) در ضمیر متصل «ه» (غیره)

(۳) فعل مضمون در سخن

حاوی قضیه آغاز با نام خداوند، اعلام راه و رسم رسول خدا و باز هم اظهار غم و اندوه و بیان ظلمی که به تنها ولی روی زمین روا داشته شده است. عبارت‌ها به صورت جمله خبری وصفی ظاهر شده که شامل دو بخش است:

(الف) فعل قضیه‌ای: محمول آغاز نمودن و پیروی کردن را به گوینده «امام (ع)» نسبت داده، موضوع این محمول امام (ع) می‌باشد و در تعلّم محمول دانستن را به خداوند که موضوع است حمل کرده است؛

(ب) بار مضمون در سخن (بار محتوایی):

-آغاز کردن با نام خدا و پیروی از آیین رسولش (کنش اعلامی)؛
-درد دل و ابراز تأسف و اندوه (کنش عاطفی).

(۴) کنش صریح و غیر صریح

(الف) صریح: جمله تقریر و وصفی؛

(ب) غیر صریح (ضمنی): در عبارت بسم الله و علی ملّة رسول الله، فعل غیر بیانی اعلامی (کنش اعلامی) نهفته است، زیرا گویی امام (ع) فعل ضمن گفتاری آغاز کردن و اعلام راه در پیش گرفته را انجام می‌دهند، که این گونه کنش‌ها ضمن فعل اعلامی قرار می‌گیرد. و بار مضمون در تعلم بیان کنش عاطفی اندوه و ناراحتی است. (کنش عاطفی)

به طور کلی فعل‌های گفتاری این بخش به صورت غیر صریح بیان شده، یعنی فعل و عبارت وارد شده به صورت مستقیم بیان گر نوع کنش گفتاری نیستند؛ بلکه مخاطب با توجه به موقعیت و بافت فعل گفتاری آن را متوجه می‌شود.

۱۲-۴: هنگام پاشیدن خون به آسمان پس از آن که به صورت مبارکش سرآزیر شد

«اللَّهُمَّ اطْلُبْ بَدَمِ ابْنِ بَنْتِ نَبِيِّكَ» (همان)

«خداوندا از فرزند دختر پیامبرت خون‌خواهی کن.»

(الف) بافت و فضای کلی متن

در این لحظات بسیار سخت، ندای امامی که خداوند خود، منتقم او است همراه با خون به آسمان رفته، اندوه خود را به خدا عرضه داشته است و طلب خون خواهی می‌نماید.

(ب) تحلیل افعال گفتاری

• فعل گفتاری: اطلب؛ که شامل موارد زیر است:

(۱) فعل اسنادی

جمله فعلی امری که محمول واقع شده و موضوع آن أنت مستتر در فعل می‌باشد.

(۲) ارجاع

احاله به ذات پروردگار در ضمیر مستتر أنت و ضمیر متصل "ک".

(۳) فعل مضمون در سخن

به صورت قضیه طلب و درخواست خون خواهی امام (ع) از معبود خود ظاهر شده است.

(الف) فعل قضیه‌ای: طلب خون خواهی و انتقام به خداوند حمل شده (محمول) و موضوع

محمول خداوند است؛

(ب) بار مضمون در سخن: درخواست و تمنا از بارگاه خداوندی (کنش ترغیبی) که در قالب

فعل امر ظاهر شده؛ اگر چه از فعل امر استفاده شده؛ اما غرض تقاضا و تمنا است نه دستور دادن.

(۴) کنش صریح و ضمنی (غیر صریح)

(الف) صریح: انجام فعلی از جنس طلب و تقاضا (کنش ترغیبی) که در واقع امام (ع) ضمن

دعا کردن فعل تقاضا را انجام می‌دهد. خداوند از قاتلان فرزند دختر پیامبرت خون‌خواهی کن. چون

فعل اسنادی طلب از نوع فعل امر است و فعل مضمون در گفتار هم همان کنش ترغیبی که امر و

نهی و درخواست را در بردارد می‌باشد، پس فعل گفتاری این قسم صریح است.

۱۲-۵: مناجات حضرت پس از شهادت اصحاب

«الهی و سیدی و ددتُ أَنْ أَقْتَلَ وَأُحْيَى سَبْعِينَ أَلْفَ مَرَّةٍ فِي طَاعَتِكَ وَمَحَبَّتِكَ، سَيِّمًا إِذَا كَانَ فِي قَتْلِي

نُصْرَهُ دِينَكَ، وَإِحْيَاءِ أَمْرِكَ، وَحِفْظِ نَامُوسِ شَرْعِكَ. ثُمَّ إِنِّي قَدْ سَمَّمْتُ الْحَيَاةَ بَعْدَ قَتْلِ الْأَحِبَّةِ، وَقَتْلِ

هَؤُلَاءِ الْفِتْيَةِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.» (همان)

«ای معبود و سرور من! دوست داشتم هفتاد هزار مرتبه در راه تو و برای محبت تو مرده و زنده شوم؛ به خصوص اگر با کشته شدن من، دینت یاری و دستورت زنده شود و جوهره شریعت باقی بماند، سپس من بعد از کشته شدن دوستان و آن جوان مردان خاندان پیامبر (ص) از زندگی ملول گشتم.»

الف - بافت و فضای کلی متن

«نقل است در روز عاشورا که هر لحظه یآوری از یاوران امام حسین (ع) به خاک و خون می‌غلتید و محاصره دشمن تنگ‌تر می‌شد، امام (ع) رو به آسمان با خدای خود از عشق و شور و شیدایی نسبت به شهادت راز و نیاز می‌گردد.» (سخایی، ۱۳۹۱: ۲۸) و عبارات مذکور را به زبان می‌آورد و از میل و اشتیاق خود نسبت به شهادت (آن هم شهادتی به سخت‌ترین گونه ممکن)، سپس غم و اندوه از دست دادن یاران و ملول گشتن از دنیا پس از دوستان، سخن به میان می‌آورد.

ب - تحلیل افعال گفتاری

• فعل گفتاری: و ددت / سئمت؛ که شامل این بخش‌ها می‌شود:

(۱) فعل اسنادی

هر دو به صورت جمله فعلی ماضی آمده که فعل دوم خیر إنّ واقع شده است. محمول سئمت و و ددت به صورت جمله فعلی بیان شده که موضوع هر دو محمول انا مستتر «امام (ع)» است.

(۲) ارجاع

ارجاع به امام (ع) توسط گوینده در ضمیر بارز - ت - و ضمیر متصل - ی - (قتلی، انی) و احاله به پروردگار به وسیله ضمیر متصل «ک» (طاعتک، محتک، دینک..) و ارجاع به پیامبر (ص) در ضمیر متصل ه (علیه و آله)

(۳) فعل مضمون در سخن

به صورت قضیه آرزو و شوق امام (ع) مبنی بر شهادت در راه دوست به شدیدترین شکل ممکن (هفتاد هزار مرتبه مردن و زنده شدن) و نیز شدت ملالت و آزرده خاطر شدن نسبت به دنیا پس از خاندان آل رسول (ص)، بیان شده است.

که این قضایا خود شامل این موارد می‌باشد:

(الف) فعل قضیه‌ای: فعل دوست داشتن (آرزو داشتن) و منزجر شدن را، به امام (ع) حمل کرده

است و موضوع محمول‌های یاد شده امام (ع) می‌باشد؛

(ب) بار مضمون در سخن (بار محتوایی): بیان عواطف ذهنی و روانی مبنی بر ابراز علاقه به شهادت و نارضایتی از زندگی بدون وجود دوستان (کنش عاطفی) است.

(۴) کنش صریح و ضمنی

(الف) صریح (مستقیم): جمله خبری فعلی؛

(ب) غیر صریح: هر دو فعل بیان گر عواطف و احساسات است که امام در ضمن گفتن آن عبارات، کنش مبنی بر روان و احساسات را به جا آورده اند که نوعی تأسّف (کنش عاطفی) را در بر دارد و هر دو فعل به صورت صریح و مستقیم بیان گر نوع فعل گفتاری خود می باشند.

۱۲-۶: مناجات قبل از شهادت

روایت شده که امام (ع)، در طول سه ساعت آغشته به خون، چشم به آسمان دوخته بود و ندا می کرد: «یا اَلِهی صَبْرًا عَلٰی قَضَائِکَ، وَلَا مَعْبُودَ سِوَاکَ، یا غِیَاثَ الْمُسْتَغِیْثِینَ...» (موحد ابطحی، همان: ۷۷)

ای پروردگار من در برابر قضایت صبر می‌ورزم، هیچ معبودی جز تو نیست ای یاور یاری خواهان.

الف- بافت و فضای کلی متن

انسان معمولی وقتی مشکلات و مصیبت‌ها از همه سو او را می‌فشرد، گاه دچار ناسپاسی می‌شود و توان و مقاومتش را از دست می‌دهد؛ اما امام معصوم (ع) به گونه‌ای دیگر است و معصومیتش اقتضایی غیر از حالت مردم عادی دارد، به همین سبب مشاهده می‌شود که در اوج مصیبت و گرفتاری و در نهایت فشار روحی و جسمی رو به آسمان می‌نماید و رضایت‌مندانه صبر خود را به کار می‌گیرد و عابدانه با معبودش مناجات و طلب یاری می‌خواهد.

ب- تحلیل افعال گفتاری

• فعل گفتاری: صبرا علی قضائک / لا معبود سواک / یاغیاث المستغیثین؛ که تشکیل شده از:

(۱) فعل اسنادی

شامل دو جمله فعلی (صبرا علی قضائک و یاغیاث المستغیثین) که عامل در تقدیر است و یک جمله اسمی (لا معبود سواک). محمول دو جمله فعلی، فعل‌های محذوف أصبر و أنادی و موضوع هر دو فعل ضمیر مستتر أنا «امام (ع)» می‌باشد و محمول عبارت لا معبود سواک کلمه "موجود" (محذوف) و موضوع آن معبود است.

(۲) ارجاع

ارجاع به خداوند به وسیله ضمیر متصل "ک" و ارجاع به امام (ع) با ضمیر متصل "ی"

(۳) فعل مضمون در سخن

از قضیه صبر کردن امام (ع)، اقرار به عدم وجود معبودی غیر از خدای یکتا و طلب یاری او تشکیل شده و شامل دو بخش است:

(الف) فعل قضیه‌ای: محمول صبر کردن و کنش اقرار به عدم وجود معبودی جز یگانه معبود و فعل خواندن خداوند همگی بر امام (ع) حمل شده است و موضوع این محمول‌ها امام (ع) می‌باشد.

(ب) بار مضمون در سخن

اظهار و شرح صبر در برابر قضای الهی توسط امام (کنش اظهاری) و با توجه به قرینه کنش ضمن گفتاری اول مشخص می‌شود که فعل نهفته در عبارت دوم، نیز اظهاری و توصیفی می‌باشد (اظهار وجود معبودی واحد: کنش اظهاری) و فعل غیر بیانی عبارت سوم از نوع تقاضا و طلب است (کنش ترغیبی)

(۴) صریح و ضمنی (غیر صریح)

(الف) فعل صریح: شامل دو جمله وصفی خبری و یک جمله انشایی (ندا) می‌باشد؛

(ب) فعل ضمنی (غیر صریح): کنش غیرمستقیم این افعال گفتاری این گونه است خداوندا [من اقرار می‌کنم که] در برابر قضای تو صبر دارم (کنش اظهاری) و [تصدیق می‌کنم که] هیچ معبودی جز تو نیست (اظهاری) [و از تو تقاضای کمک دارم] ای فریادرس فریاد خواهان. اگرچه عبارت اخیر به صورت انشایی ظاهر شده امام (ع) در ضمن آن کنش ترغیبی انجام داده است. دو عبارت اول، دارای کنش غیر صریح (چون کنش اظهاری در جمله ذکر نشده) و عبارت سوم، دارای کنش گفتاری صریح است (انشایی و ترغیبی)

۱۲-۷: در آخرین لحظات عمر

(الف) «اللَّهُمَّ مُتَعَالَى الْمَكَانِ، عَظِيمُ الْجَبَرُوتِ، شَدِيدُ الْمِحَالِ غَنِيٌّ عَنِ الْخَلَائِقِ، عَرِيضُ الْكِبْرِيَاءِ، قَادِرٌ عَلَى مَا يَشَاءُ، قَرِيبُ الرَّحْمَةِ، صَادِقُ الْوَعْدِ، سَابِعُ النُّعْمَةِ، حَسَنُ الْبَلَاءِ، قَرِيبٌ إِذَا دُعِيَ مُحِيطٌ بِمَا خَلَقْتَ، قَابِلُ التَّوْبَةِ لِمَنْ تَابَ إِلَيْكَ، قَادِرٌ عَلَى مَا أَرَدْتَ وَمُدْرِكٌ مَا طَلَبْتَ، وَشَكُورٌ إِذَا شُكِرْتَ، وَذَكُورٌ إِذَا ذُكِرْتَ.»

(ب) «أَدْعُوكَ مُحْتَاجًا، وَأَرْغَبُ إِلَيْكَ فَقِيرًا، وَأَفْزَعُ إِلَيْكَ خَائِفًا، وَأَبْكِي إِلَيْكَ مَكْرُوبًا، وَأَسْتَعِينُ بِكَ

ضَعِيفًا، وَأَتَوَكَّلُ عَلَيْكَ كَافِيًا.»

(ج) «أَحْكُمُ بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا، فَأَنْهَمُ غُرُونَا وَخَذَلُونَا وَعَدَرُوا بِنَا وَقَتَلُونَا»

(د) «وَوَحْنُ عِترَةِ نَبِيِّكَ، وَوَلَدُ حَبِيبِكَ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، الَّذِي اصْطَفَيْتَهُ بِالرَّسَالَةِ، وَأَتَمَمْتَهُ عَلَى

وَحِيكَ فَاجْعَلْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا فَرْجًا وَمَخْرَجًا، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.» (همان: ۱۷۶-۱۷۷)

(الف) «خدایا! ای بلند جایگاه! بزرگ جبروت! سخت توانمند (در کیفر و انتقام)! بی نیاز از

مخلوقات! صاحب کبریایی گسترده! بر هر چه خواهی قادری! (ای که) رحمتت نزدیک (و)

پیمانت درست است! دارای نعمت سرشار! نیکو بلا! هر گاه تو را بخوانند نزدیکی! بر آفریده‌ها

احاطه داری! توبه پذیر توبه کنندگانی! بر هر چه اراده کنی، توانایی! و به هر چه بخوانی می‌رسی!

چون سپاست گویند سپاس گزاری! و چون یادت کنند یادشان می‌کنی!»

(ب) «حاجت‌مندانه تو را می‌خوانم و نیازمندانه به تو مشتاقم و هراسانه به تو پناه می‌برم و با

حال حزن به درگاه تو می‌گریم و ناتوان‌مندانه از تو یاری می‌طلبم تنها بر تو توکل می‌کنم؛»

(ج) «میان ما و این قوم حکم فرما! اینان به ما نیرنگ زدند، ما را تنها گذارده، بی‌وفایی کردند

و به کشتن ما برخاستند؛»

(د) «و ما خاندان پیامبر و فرزندان حبیب تو محمد بن عبدالله (ص) هستیم، هم او که او را به

پیامبری‌اش برگزیدی و بر وحیت امین ساختی، پس در کار ما گشایش و برون رفتی قرار ده، به

مهربانیت ای مهربان‌ترین مهربانان!»

الف - بافت و فضای کلی متن

در آخرین لحظات عمر و در شرایطی که نه یاری دارد و یآوری و نه حال و رمقی، دست از

مدح معشوق حقیقی برداشته است و بدون هیچ چشم داشتی زبان به وصف یگانه معبودش می

گشاید و او را به صفاتی چون؛ متعالی‌المکان، عظیم‌الجبروت، شدید‌المحال، غنی‌عن‌الخلائق،

عریض‌الکبریا و ... که بیان‌گر صفات رحمانیه، رحیمیه و نیز قهریه خداوند است، یاد می‌کند و

چه عابدانه خود را محو در معبود می‌نماید، اصلاً خودی نمی‌بیند و آن چه می‌بیند وجودی محتاج،

فقیر، ترسان، درمانده و ضعیف است که چون توکل کند، خدا برایش کافی است.

ب - تحلیل افعال گفتاری

• افعال گفتاری: (الف) اللهم متعالی‌المکان، عظیم‌الجبروت و ...

(ب) أدعوك / أرغب إليك / أفرع إليك / أبکی إليك / أستعین بك / أتوكل عليك

(ج) احکم بیننا / غرونا / خذلونا / غدرونا بنا / قتلونا

(د) نحن عترة نبیک / و ولد حبیبک / فاجعل لنا؛ که این افعال تشکیل شده از:

(۱) فعل اسنادی

(الف) در جمله‌های فعلی، تمامی فعل‌ها محمول قضیه می‌باشد و فاعل این فعل‌ها که موضوع می‌باشند این گونه است:

(ب) ضمیر مستتر أنا «امام (ع)»؛

(ج) ضمیر مستتر انت (خداوند) در فعل حکم و ضمیر بارز واو (قاتلان قوم) در سایر افعال؛

(د) در جمله‌های اسمی: محمول: عترة نبیک و ولد حبیبک؛ و نحن «امام (ع) و خاندانش» موضوع می‌باشد.

(۲) ارجاع

- احواله به خداوند در ضمیر بارز "ت" (دعیت، أردت، طلبت، شکر، ائتمنت، ذکرت، اصطفت) و ضمیر متصل "ک" (إلیک، أذعوک، بک، نبیک، حبیبک و رحمتک) و ضمیر مستتر أنت (احکم و اجعل)؛

- ارجاع به امام (ع) به وسیله أنا مستتر (أدعو، أرغب، أفزع، أبکی، أستعین و أتوکل)؛

- احواله به امام (ع) و اهلش در ضمیر نحن و نا (نحن عتره، بیننا، قومنا، غرونا، لنا و ...)

- ارجاع به قاتلان و دشمنان قوم به وسیله ضمیر بارز واو (غروا، خذلوا، غدروا و قتلوا) و ضمیر هم (إنهم).

(۳) فعل مضمون در سخن

(الف) در قالب قضیه مدح و توصیف خداوند از سوی امام (ع) با صفات مختلف ظاهر شده است؛

(ب) قضیه، عبارت از حالات و افعال امام (ع) در برابر خداوند است مانند: خواندن، میل و اشتیاق داشتن، پناه بردن، گریه کردن، یاری خواستن و توکل کردن به خداوند؛

(ج) به شکل قضیه داوری از خداوند و نیز شرح خیانت‌های قوم نسبت به امام حسین (ع) و اهل بیت او (نیرنگ کردن، خوار نمودن، حيله گری و کشتن) ظاهر شده است؛

(د) قضیه به صورت توصیف عترت و فرزندان پیامبر (ص) و در نهایت طلب گشایش و نجات

از خداوند، ظهور پیدا کردن و قضیه عبارت است از:

۱- فعل قضیه‌ای: (الف) محمول خواندن و مدح خداوند به انواع نام‌ها به امام (ع) حمل شده و

موضوع امام (ع) می‌باشد؛

(ب) محمول خواندن، مشتاق بودن، پناه بردن، طلب یاری و توکل به خداوند به امام (ع) حمل شده و موضوع محمول‌ها، امام (ع) است؛

(ج) محمول قرار دادن (اجعل) به خداوند و محمول‌های فریفتن، خوار کردن، حیل‌گری و کشتن به دشمنان امام (ع) نسبت داده شده است و معین می‌شود که موضوع محمول اجعل، خداوند و موضوع سایر محمول‌ها، فاسدان قوم امام (ع) می‌باشد.

۲- بار مضمون در سخن: (الف) عبارت است از مدح خداوند که با احساسات روانی گوینده گره خورده است (فعل عاطفی) و گویی ذکر هر صفت یک فعل گفتاری عاطفی را در بر دارد؛
 (ب) امام (ع) با گفتن عبارت ادعوک و استعین بک فعل ترغیبی و با بیان اُرغب اِلَیک، افزع اِلَیک و اُبکی فعل عاطفی و تأثیری انجام داده است؛

(ج) بار مضمون در احکم بیننا از نوع درخواست و تقاضا (کنش ترغیبی) و بار محتوایی سایر فعل‌های این بخش نشان دهنده شرح و بیان جنایت‌های دشمن می‌باشد (کنش اظهاری)؛

(د) اگرچه معنای ظاهری عبارت «نحن عترة نبیک» بیان و اقرار است اما قصد امام (ع)، ارائه گزارش به خداوند نیست؛ بلکه بار محتوایی این سخن برخاسته از کنش عاطفی (غم و اندوه و تأسف) می‌باشد و در ادامه دست به دعا برمی‌دارد و خواسته و طلب خود را بر زبان می‌آورد (فعل ترغیبی).

(۴) صریح و ضمنی

(الف) عبارت‌های انشایی از نوع منادا که شامل مدح و برخاسته از کنش عاطفی و صریح است؛
 (ب) در نگاه ابتدایی شامل عبارت‌هایی توصیفی و خبری است که در حقیقت، فعل‌های ترغیبی (ادعوک و استعین) و عاطفی (اُرغب، اُبکی و اُفزع) را در بردارد. کارگفت‌های این بخش صریح و مستقیم است؛

(ج) فعل گفتاری این بخش شامل یک جمله انشایی و صریح و چهار جمله خبری و تقریری می‌باشد که حاوی کنش ترغیبی صریح در فعل احکم و کنش اظهاری و غیر صریح در سایر افعال است؛ خداوندا [من اظهار می‌کنم که] این قوم به ما ظلم کردند و...؛

(د) نحن عترة نبیک و ولد حبیبک، عبارت است از دو جمله اسمیه خبریه است، اما در حقیقت، فعل ضمن گفتاری عاطفی را در بر دارد، زیرا قصد امام (ع) درد دل و اظهار ناراحتی به صورت غیر صریح و ضمنی است. [متأسفانه با این که ما فرزندان پیامبر هستیم اما] آنان به ما ظلم کردند و... عبارت اجعل بیننا یک جمله انشایی صریح و دارای بار محتوایی ترغیبی می‌باشد.

۱۳- یافته‌های تحقیق

بر اساس بررسی‌های انجام شده در متن، یافته‌های تحقیق را به صورت جدول نمایش می‌دهیم و سپس به تحلیل اجمالی آن و در نهایت نتیجه‌گیری خواهیم پرداخت.

| | | |
|-------------|-------|------|
| کنش‌های (۱) | تعداد | درصد |
| اظهاری | ۶ | ۲۰٪ |
| ترغیبی | ۱۰ | ۳۳٪ |
| عاطفی | ۱۲ | ۴۰٪ |
| اعلامی | ۲ | ۷٪ |
| تعهدی | - | ۰٪ |
| مجموع | ۳۰ | ۱۰۰٪ |

جدول شماره (۱)

| | | |
|-------------|-------|------|
| کنش‌های (۲) | تعداد | درصد |
| صریح | ۱۶ | ۵۳٪ |
| غیر صریح | ۱۴ | ۴۷٪ |
| مجموع | ۳۰ | ۱۰۰٪ |

جدول شماره (۲)

| | | |
|-------------|-------|------|
| کنش‌های (۳) | تعداد | درصد |
| انشایی | ۱۰ | ۳۳٪ |
| اخباری | ۲۰ | ۶۷٪ |
| مجموع | ۳۰ | ۱۰۰٪ |

جدول شماره (۳)

| | | |
|----------------------|-------|------|
| مرجع ضمیر | تعداد | درصد |
| خداوند | ۴۱ | ٪۴۹ |
| امام (ع) | ۱۹ | ٪۲۳ |
| قوم | ۱۱ | ٪۱۳ |
| پیامبر (ص) | ۶ | ٪۷ |
| امام (ع) و خاندان ما | ۷ | ٪۸ |
| مجموع | ۸۴ | ٪۱۰۰ |

جدول شماره (۴)

۱- در جدول شماره (۱) می‌بینیم که بیش‌ترین درصد کنش‌های پنج‌گانه را فعل عاطفی دارد؛ علت این که فعل عاطفی تأثیری، بیش‌ترین فعل موجود در گفتار امام (ع) است به موقعیت و شرایط باز می‌گردد؛ چه در آن لحظات که دوستان و عزیزان را از دست داده، تنها مانده، قوم خود را می‌بیند که به او و اهلش خدعه و خیانت و نیرنگ کردند و نیز در وضعیت نابه‌سامان جسمی و درد و رنج، راهی جز مناجات با قاضی الحاجات را برای امام (ع) نمی‌گذارد؛ مناجاتی همراه با آه، رنجش خاطر، دلتنگی نسبت به اصحاب و یاران و منزجر شدن از زندگی که همگی رنگ و بویی از عاطفه و احساس را در بر دارند، به همین دلیل گفته می‌شود «گزاره‌های اخباری در دین در کنار بعد وصفی و اخباری که زبان آن مشابه زبان علم است، اغلب فقط وصفی خالص نیستند، بلکه با حالات احساسی نیز درگیر هستند، در نتیجه با زبان عشق همراه می‌باشند.» (ساجدی، ۱۳۸۱: ۲۸) در بسیاری از قسمت‌ها، مشاهده می‌شود کلام امام (ع) از جنس خواسته و تقاضا است که از خواص و مقتضیات مناجات و هم‌صحبتی با خداوند همین طلب و درخواست است؛ به این دلیل، فعل ترغیبی پس از عاطفی بیش‌ترین مقدار فعل گفتاری موجود در این مناجات است. سپس گاه می‌بینیم امام (ع) موقعیت و وضعیت و برخی حقایق را توصیف، بیان و تصدیق می‌نماید (کنش اظهاری) که در این سخنان در جایگاه سوم قرار دارد و همچنین مشاهده کردیم که امام (ع) در دو جمله (بسم الله علی مله رسول الله) کنش اعلامی را به کار گرفتند؛ اما کنش تهفدی جایگاهی در این سخنان امام (ع) ندارد، زیرا کنش اعلامی، حاوی وعده انجام یا ترک کاری در آینده می‌باشد که این کنش با وضعیت کنونی امام (ع) که لحظات و دقائق پایانی عمر مبارک خود را سپری می‌کند در تعارض است.

ذکر این نکته، مناسب است که گاه در بعضی قسمت‌های سخن اگر مخاطب و دریافت‌کننده پیام را جنس بشر بدانیم، بدون هیچ ایجاد تغییری در عبارات امام (ع)، بعضی کنش‌ها ضمن

دسته‌بندی دیگری قرار می‌گیرد، زیرا توجه به بافت و شرایط گوینده و مخاطب از خصوصیات نظریه کنش گفتاری است، برای مثال فعل گفتاری «تری» در کلام امام (ع) اگر به انسان گفته شود، محتوای مضمون در کلام حالت بیان و شرح دارد (کنش اظهاری) چون مخاطب نسبت به برخی حقایق جاهل است، اما به دلیل این که خداوند از همه شرایط آگاه است، و با توجه به عبارتهای بعد از تری می‌بینیم که امام (ع) این فعل را برخاسته از حالت احساسی و روانی به کار می‌برد و قصد گله و شکایت و درد و دل دارد (کنش عاطفی)؛

۲- در جدول شماره (۲) به شمارش کنش‌های صریح (مستقیم) و غیر صریح (ضمنی) پرداخته‌ایم. مشاهده می‌شود که تقریباً به یک اندازه از کنش‌های صریح و غیر صریح استفاده شده، در بسیاری از متون پر محتوا، فعل غیر صریح بیش‌تر از صریح کاربرد دارد؛ گفته می‌شود «معمولاً رعایت ادب، سبب ایجاد کنش غیر مستقیم می‌شود» (ایشانی، نعمتی قزوینی، ۱۳۹۳: ۳۱)؛ اما همان‌طور که شرح داده شد، با توجه به شرایط خاص و بحرانی امام (ع) و مخاطب ویژه او، بنا دارد بدون پرده و صریح با خداوند سخن بگوید؛ در نتیجه کنش‌های صریح مضمون در سخن بیش از غیر صریح است؛

۳- جدول شماره (۳) نشان‌دهنده تعداد کنش‌های اخباری و انشایی (دلالت معنوی بر امر، نهی، تمنا، ندا و ...) می‌باشد. به دلیل این که عناصری دیگر غیر از خداوند و امام (ع) (قوم امام (ع) و مخالفان او و پیامبر (ص)) در متن وجود دارد و امام (ع) از آن‌ها هم حکایت می‌کند، در نتیجه گزاره‌های اخباری بیش از انشایی به کار گرفته شده است.

۴- جدول شماره (۴) نشان‌دهنده ضمیرهای ارجاع داده شده (بارز، ظاهر و مستتر) در متن می‌باشد. همان‌طور که هدف اصلی کلام امام (ع)، مناجات با خداوند می‌باشد و تمام امید و مرجعی که در اوج بی‌یاوری به یاری امام اهتمام دارد ربّ الارباب است، در نتیجه، شایسته است، بیش‌ترین محور و مرجع در متن، خداوند باشد و نیز نظر به این که امام (ع) با خداوند، به عنوان متکلم وحده از احوال و اوضاع خود و آن چه بر او رفته سخن می‌گوید از لحاظ کم و عدد پس از خداوند، دومین مرجع ضمائر را به خود اختصاص داده است. سومین محور مهمی که مرجع ضمیر قرار گرفته و امام (ع) با تأسف و دل شکستگی از آنان یاد می‌کند قومی است که به خاندان پیامبر ظلم و ستم روا داشتند و دشمنی پیشه کردند، رابطه خویشاوندی با امام (ع) دارد؛ اما کینه و بغضش بر خویشاوندی، پیشی گرفته است. و هم‌چنین امام (ع) از خود و خاندان خود با ضمیر نا و نحن و از پیامبر (ص) نیز سخن به میان می‌آورد.

نتیجه‌گیری

مهم‌ترین دستاوردها و نتایج پژوهش پیش رو از این قرار است:

۱- نظریه‌کنش‌گفتاری یکی از مهم‌ترین نظریه‌های علم‌منظورشناسی است که با حوزه علوم دینی هم‌خوانی و سازگاری مناسب دارد؛

۲- کنش‌ها و فعل‌های گفتاری مضمون در کلام امام به ترتیب از بیش‌ترین به کم‌ترین به این صورت است:

الف- کنش‌های پنج‌گانه: عاطفی (۴۰٪)، ترغیبی (۳۳٪)، اظهاری (۲۰٪)، اعلامی (۷٪)، تعهدی (۰٪)؛

ب- کنش صریح و غیر صریح: صریح (۵۳٪)، غیر صریح (۴۷٪)؛

ج- کنش اخباری و انشایی: اخباری (۶۷٪)، انشایی (۳۳٪).

شرایط، وضعیت موجود، مشکلات و مصیبت‌ها ایجاب می‌کند که از این میان، کنش عاطفی

(۱)، صریح (۲) و خبری (۱) بیش‌ترین جایگاه را در کلام داشته باشد؛

۳- مرجع انواع ضمیرهای موجود در متن به ترتیب این گونه است:

خداوند (۴۹٪)، امام (ع) (۲۳٪)، مخالفان و دشمنان قوم (۱۳٪)، امام (ع) و خاندانش (نا و

نحن) (۷٪) و پیامبر (ص) (۶٪). نقش پررنگ و اساسی خداوند در لحظه لحظه‌های زندگی امام

(ع)، نشان‌گر سبب بیش‌ترین ارجاع به حق تعالی است. امام (ع) به عنوان گوینده، بیش‌ترین کسی

است که مشکلات متوجه او است و محوریت سخن پس از مناجات با پروردگار، ویژه امام (ع) و

سپس سایر عناصر و شخصیت‌ها (پیامبر (ص)، امام (ع) و خانواده و قوم) می‌باشد.

کلام امام (ع) به عنوان ولی خداوند که در هیچ شرایطی جز حق به زبان نمی‌آورد، کاملاً

متناسب با موقعیت و بافت درونی و خارجی بیان شده است و در نهایت مخاطب می‌تواند کلام امام

(ع) را با توجه به آن شرایط به خوبی دریافت کند.

نتایج به دست آمده از پژوهش در سطحی جامع‌تر نسبت به مقالاتی که تا کنون در حوزه دینی

نوشته شده، صورت گرفته؛ از جمله بررسی آماری فعل‌های صریح و غیر صریح، ضمائر ارجاعی و

کنش‌های اخباری و انشایی و مطابقت استفاده از هر کدام با بافت و موقعیت که در سایر پژوهش‌ها

و پیشینه‌ها به این گونه یافت شد؛

۴- در نهایت پیشنهاد می‌شود، دوست‌داران پژوهش در این حوزه:

- الف- خطبه‌های سیاسی را که در مقام اثبات حقایق ولایت اهل بیت (ع) بر آمده از منظر این نظریه مورد بررسی قرار دهند، زیرا در میان پژوهش‌ها از این دست، کم‌تر مقاله یا مطلبی یافت شد؛
- ب- متون هم محتوا را به صورت مقایسه‌ای از دو شخص مورد بررسی قرار دهند؛
- ج- به تحلیل و بررسی متون موضوعی بر پایه این نظریه بپردازند. برای مثال: موضوع صبر، تقوا، علم و... در کلام دو امام (ع) یا یک امام (ع).

منابع و مآخذ

۱. اکو، اومبرتو (۱۳۹۲)، «معناشناسی، کاربردشناسی و نشانه‌شناسی متن»، ترجمه محسن عباس زاده، ادب و هنر، *مجله اطلاعات حکمت و معرفت*، تهران، دوره ۸، شماره ۳، صص ۳۷ - ۴۳.
۲. ایشانی، طاهره و معصومه نعمتی قزوینی (۱۳۹۳)، «تحلیل خطبه حضرت زینب سلام الله علیها در کوفه بر اساس نظریه کنش گفتار سرل»، *مجله سفینه*، تهران، دوره ۱۲، شماره ۴۵، زمستان، صص ۲۵ - ۵۱.
۳. بلائیان، محمد رضا و بمانعلی دهقان مشکابادی (۱۳۸۷)، «ماهیت وحی و مسئله تساوی ادیان»، *مجله اندیشه نوین دینی*، دانشگاه معرفت اسلامی، دوره ۴، شماره ۱۳، تابستان، صص ۱۶۱ - ۱۹۲.
۴. پهلوان نژاد، محمد رضا و مهدی رجب زاده (۱۳۸۹)، «تحلیل متن شناسی زیارت‌نامه حضرت امام رضا (ع) بر پایه نظریه کنش گفتار»، *مجله ذهن*، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، دوره ۱۱، شماره ۴۳، پاییز و زمستان، صص ۳۷ - ۵۴.
۵. ترکاشوند، فرشید (۱۳۹۲)، «تعادل بافتی در ترجمه از عربی به فارسی (با رویکرد کاربرد شناسی)»، *مجله پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی*، دانشگاه علامه طباطبایی، دوره ۳، شماره ۷، تابستان، صص ۵۹ - ۷۸.
۶. _____، و نسرین ناگهی (۱۳۹۲)، «تحلیل مقایسه‌ای ساز و کار قرینه و بافت زبانی در فهم متن»، *مجله پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی*، دانشگاه علامه طباطبایی، دوره ۳، شماره ۷، زمستان، صص ۵۵ - ۷۰.
۷. حسنی، سید حمیدرضا (۱۳۸۵)، «تعین معنای متن از نگاه هرمنوتیک و علم اصول»، *مجله پژوهش و حوزه*، معاونت پژوهشی مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، شماره‌های ۲۷ و ۲۸، پاییز و زمستان، صص ۵۴ - ۱۰۰.
۸. حسینی معصوم، سید محمد و عبدالله رادمرد، (۱۳۹۴)، «تأثیر بافت زمانی - مکانی بر تحلیل کنش گفتار؛ مقایسه فراوانی انواع کنش‌های گفتار در سوره‌های مکی و مدنی قرآن کریم»، *مجله جستارهای زبانی*، دانشگاه تربیت مدرس، دوره ۶، شماره ۳، صص ۶۵ - ۹۲.

۹. خدایی ليقوان، عاطفه و زينب عرب نژاد (۱۳۹۳)، «مقایسه و تحلیل متن‌شناسانه عهدنامه مالک اشتر و خطبه غراء بر اساس نظریه کنش گفتار»، جمعی از نویسندگان، *مجموعه مقالات برگزیده نخستین همایش ملی نهج البلاغه و ادبیات*، قم، نشر، تابستان، صص ۱۹۵ - ۲۱۰.
۱۰. رستمیان، مرضیه و سید کاظم طباطبایی (۱۳۹۰)، «بررسی تطبیقی بافت موقعیت برون زبانی از دیدگاه فرث هایمز و لوئیس با سیاق حالیه»، *مجله پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم*، جهاد دانشگاهی، شماره ۱۳، بهار و تابستان، صص ۲۹ - ۳۶.
۱۱. زاد زند، فرخ (۱۳۸۷)، «اشارات در کاربرد شناسی»، *مجله ایران شناسی*، بنیاد مطالعات ایران، صص ۱۶۶ - ۱۷۲.
۱۲. ساجدی، ابوالفضل (۱۳۸۱)، «نظریه کنش گفتاری جان آستین و فهم زبان قرآن»، *مجله قیسات*، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، شماره ۲۶، صص ۱۲۲ - ۱۳۰.
۱۳. سخایی، سیده مژگان (۱۳۸۸)، «الگوهای حسینی در ایجاد انتظار مهدوی»، محمدحسن عبدلی، عاشورا، انقلاب، انتظار، جلد دوم (مجموعه مقالات دومین کنگره سراسری عاشورا پژوهی)، تهران، سازمان اوقاف و امور خیریه، صص ۱۱۷ - ۱۴۷.
۱۴. عباسیان چالستری، محمدعلی (۱۳۸۴)، «نظریه افعال گفتاری و برخی پیامدهای مهم آن»، *مجله مقالات و بررسی‌ها*، دانشگاه تهران، شماره ۷۷، بهار و تابستان، صص ۱۶۹ - ۲۰۰.
۱۵. عبداللّهی، محمد علی (۱۳۸۲)، «افعال گفتاری»، *مجله نقد و نظر*، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، شماره ۲۹، بهار و تابستان، صص ۴۵۲ - ۴۶۹.
۱۶. _____، (۱۳۸۴)، «نظریه افعال گفتاری»، *مجله پژوهش‌های فلسفی - کلامی*، دانشگاه قم، شماره ۲۴، تابستان، صص ۹۱ - ۱۱۹.
۱۷. _____، (۱۳۸۴)، «طبقه‌بندی افعال زبانی در فلسفه تحلیلی و علم اصول»، *مجله نقد و نظر*، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، شماره‌های ۳۹ و ۴۰، پاییز و زمستان، صص ۲۰۷ - ۲۳۱.
۱۸. فضائی، مریم و محمد نگارش (۱۳۹۰)، «تحلیل خطبه پنجاه و یکم نهج البلاغه بر اساس طبقه‌بندی سرل از کنش‌های گفتاری»، *مجله علوم قرآن و حدیث*، دانشگاه فردوسی، شماره ۸۶، بهار و تابستان، صص ۸۱ - ۱۱۸.

۱۹. کاظمی، فروغ (۱۳۹۳)، «جستاری در نهج البلاغه از منظر نظریه زبانی کارگفت»، *مجله صحیفه* مبین، دانشگاه آزاد اسلامی، دوره ۲۰، شماره ۵۵، تابستان و پاییز، صص ۷-۳۸.
۲۰. محمودی بختیاری، بهروز و نرگس فرشته حکمت (۱۳۹۱)، «از نظریه کنش سخن جان آستین تا کاوشی در شخصیت پردازی درام»، حمید رضا شعیری، *نامه نقد (مجموعه مقالات دومین همایش ملی نقد ادبی با رویکرد نشانه‌شناسی ادبیات)*، تهران، پاییز، صص ۲۰۳-۲۱۸.
۲۱. موحد ابطحی، محمداقرا (۱۳۸۵)، *الصهیفة الحسینیة الجامعة*، قم: مدرسه امام مهدی (عج)، چاپ سوم.